

ابونعیم اصفهانی. جایگاه «ذکر اخبار اصفهان» و اولین ترجمه آن

محمدحسین ریاحی

اصفهان سفر کرده و در آن ماندگار شده‌اند و یا مدتی را در این دیار به تعلیم و تعلم مشغول بوده‌اند و در حقیقت گذشته درخشان اصفهان و پاره‌ای از نقش این شهر را در فرهنگ و تمدن اسلامی بازگو می‌کند. آگاهی‌هایی که ابونعیم درباره چگونگی بنای اصفهان، فتح آن و نیز نخستین والیان و حکمرانان اسلامی آن به دست می‌دهد، بسیار شایان توجه است. وی در این کتاب به ذکر ویژگیهای جغرافیایی شهر پرداخته است و اطلاعات فراوان، دقیق و جالبی از مناطق و محلات اصفهان ذکر نموده است.^۱

ابونعیم در بخش اصلی کتاب پس از ذکر نام هر یک از اشخاص و راویان به اختصار به ذکر احوال و یا روایت منقول از ایشان می‌پردازد. در حقیقت می‌توان عنوان کرد که بخش عمده آن به رجال حدیث اختصاص یافته است.

با اینکه ابونعیم متولد اصفهان و نیز متوفای همین شهر است، اثر او پیش از آنکه در ایران و یا در یکی از کشورهای اسلامی چاپ و نشر گردد، نخستین نسخه چاپی آن به سال ۱۹۳۱ میلادی با کوشش د. درنیگ در لیدن هلند و در دو مجلد انتشار یافته است. البته بارها از روی آن در

کتاب ارزشمند «ذکر اخبار اصفهان» اثر حافظ ابونعیم اصفهانی، به همت یکی از استادان محترم رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران - آقای دکتر نورالله کسائی^۱ - از عربی به فارسی ترجمه شده و انتشارات سروش منتشر کرده است.

بی شک پرداختن به میراث‌های گرانبهای گذشته در قوام بخشیدن به هویت فرهنگی جامعه تأثیر فراوان دارد. این اثر ابونعیم در بین مآخذ تاریخ و حدیث موقعیت ویژه‌ای دارد و همان‌طور که آقای دکتر عبدالحسین زرین‌کوب آورده است: [این کتاب] اطلاعات مفیدی در باب تاریخ قدیم اصفهان و احوال قدمای مشاهیر آن به دست می‌دهد.^۲

اگر چه آثار دیگر وی نیز هر کدام ارزشمند و مهم است ولی این کتاب علاوه بر آنکه بیانگر سیر دانش و بررسی وضع اصفهان در آن دوره یعنی عصر ابونعیم (نیمه دوم قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم ق) و اوایل دوره اسلامی است، اشاره‌ای به بسیاری از بزرگان جهان اسلام، صحابه و تابعین و دانشمندان ادوار گذشته تا زمان خود دارد. «ذکر اخبار اصفهان» شامل اسامی محدثان و عالمانی است که یا بومی اصفهان و اطراف آن هستند و یا به

ذکر اخبار اصفهان



ترجمه دکتر مرادعلی حسینی

ثمرات وجودی مؤلف کتاب مانند شاگردان، راویان و آثار، با استناد به منابع مختلف پرداخته است. در انتهای مقدمه اول، پیشگفتار د. در نیک بر کتاب ذکر اخبار اصفهان درج شده است.

بخش دوم مقدمه نیز پژوهشی خواندنی و محققانه در باب مقایسه کتاب «ذکر اخبار اصفهان» است، با کتاب «طبقات المحدثین» ابوالشیخ اصفهانی استاد و ابونعیم که نشان‌دهنده برداشتها و بهره‌های بسیار مؤلف اخبار اصفهان از کتاب طبقات استادش می‌باشد. این تحقیق را که چندین سال قبل به همت یکی از کتاب‌شناسان و پژوهشگران صورت گرفته بود، استاد کسائی با صلاحدید نویسنده آن، در بخش دوم مقدمه آورده‌اند. در حقیقت این بخش در شناخت اعلام جغرافیایی - تاریخی این دو کتاب بسیار مؤثر و جالب توجه است.^۸

در بخش سوم مقدمه به معرفی منابع کهن در تاریخ اصفهان پرداخته‌اند. مترجم برخی منابع قدیم و جدید تاریخ اصفهان را معرفی کرده و در باب برخی توضیح داده‌اند. این بخش از مقدمه برای کسانی که به‌خصوص در تاریخ محلی اصفهان تحقیق می‌کنند، مهم و قابل توجه است. در بیان معرفی این کتب در درجه اول به منابعی اشاره شده که پیش از تألیف «ذکر اخبار اصفهان» وجود داشته مانند: «اصفهان و اخبارها»، تألیف ابوعبدالله حمزه بن حسن مؤدب معروف به حمزه اصفهانی (م حدود ۳۶۰-۳۵۰ ق) و در قسمت دوم به کتابهای مربوط به اصفهان که پس از قرن پنجم قمری تألیف شده، پرداخته است. از جمله تاریخ اصفهان ابوزکریا یحیی بن عبدالوهاب منده اصفهانی (م ۵۱۲ ق)، همین‌طور در این بخش به منابع متأخر و جدید نیز اشاره رفته است.^۹

در ارتباط با ترجمه این کتاب مطالبی چند از ناحیه مترجم آمده که در پایان بخش سوم مقدمه ذکر گردیده است. برخی از آن نکات عبارت‌اند از: ۱- یادآوری این که این کتاب سراسر تاریخی نیست. بخش عمده مطالب، ذکر محدثان و روایت

کشورهای عربی و برای یک مرتبه در ایران طبع و نشر گردیده است، و در سالهای اخیر نیز (۱۹۹۰ م/ ۱۴۱۰ ق) به کوشش سید کسروی حسن از فضیای بیروت در کشور لبنان تجدید چاپ و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.^۴ چندی پیش نیز معرفی این کتاب به قلم یکی از دانش‌پژوهان، اما نه به‌طور کامل، انجام شده است.^۵

در حقیقت کار ترجمه و تحقیق درباره کتاب «ذکر اخبار اصفهان» که به همت آقای دکتر کسائی صورت گرفته است، اولین ترجمه کامل فارسی آن است. البته قبلاً استاد محمد مهریار قسمتهایی از ابتدای این کتاب را ترجمه کرده بود.^۶ و یا برخی از کتابهای تاریخ محلی اصفهان نیز به مناسبت از این اثر سود جستند.^۷

محقق و مترجم محترم علاوه بر ترجمه شیوا، مقدمه‌ای شامل سه بخش در اوایل کتاب تدوین نموده‌اند که در بخش اول مقدمه به شخصیت ابونعیم، زادگاه و خاندان وی، تحصیلات او، استادان و مشایخ ابونعیم، سفرهای علمی و مشایخ او در خارج از اصفهان به‌خصوص در نیشابور و بغداد، اجازه‌نامه‌هایش، پایگاه ابونعیم در دانش و دین، مذهب مؤلف ذکر اخبار اصفهان و نیز اصفهان در روزگار ابونعیم و همچنین دستاوردهای علمی و

کتاب به عناوین گوناگون آمده که تدارک فهرست اعلام را به هر طریق مشکل می‌سازد. از این‌رو ناگزیر به تهیه فهرست مطالب در آغاز کتاب و به تأسی از متن عربی، افزودن فهرستی از نامهای تمام کسانی که شرح احوالشان با ذکر عنوان آمده، در پایان کتاب بسنده گردید.

۳- اشعار در متن ترجمه آمده و متن عربی جز موارد استثنایی در پاورقی آمده است.

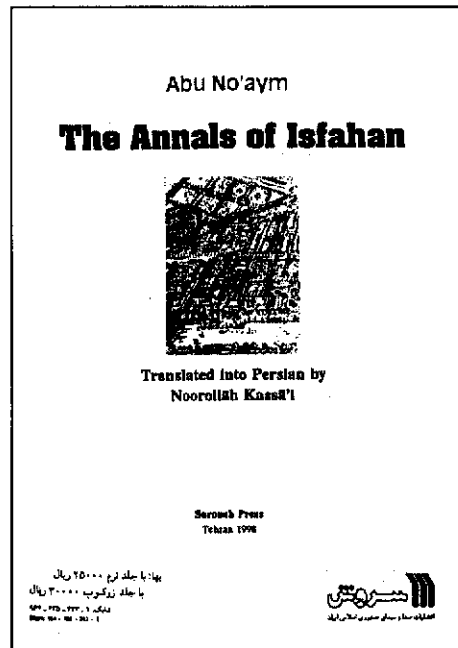
۴- در سراسر کتاب امانت در ترجمه مراعات و فقط در موارد بسیار اندک مکژرات و نظایر آن حذف شده است.

۵- بجز مطالب منقول از د. درنیک در بخش اول و نیز تمام مطالب بخش دوم مقدمه، بقیه توضیحات پاورقی‌ها در سراسر کتاب از آن مترجم است. معرفی تفصیلی منابع ترجمه در کتابنامه پایان کتاب آمده است.^{۱۰}

پی‌نوشت‌ها

۱- آقای دکتر سید نورالله کسائی استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران است. زادگاه ایشان شهرضای اصفهان و سال ولادت وی ۱۳۱۸ ه. ش است. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهرضا و اصفهان و دوره لیسانس زبان و ادبیات عرب را در دانشگاه اصفهان به پایان رساند و در سال ۱۳۵۳ ه. ش موفق به اخذ مدرک دکترای زبان و ادبیات و فرهنگ عربی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران شد. آقای کسائی در سالهای ۱۳۵۳-۱۳۳۷ ه. ش در آموزش و پرورش شهرضا و اصفهان مبدأ خدماتی بوده و از ۱۳۵۰ ه. ش با سمت استادیاری به دانشکده الهیات منتقل شد و از ۱۳۵۴ ه. ش تاکنون در دانشگاه به تدریس اشتغال دارد. ایشان با دانشگاههای معتبر کشور و مراکزی چون بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، نمایندگی سازمان بین‌المللی یونسکو در ایران، همکاری آموزشی و تحقیقاتی داشته است.

تألیف کتابهای مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، کارنامه دانشکده الهیات و معارف اسلامی



حدیث یا احادیثی است از آنان که اصفهانی بوده یا به اصفهان آمده و در این شهر حدیث گفته یا حدیث شنیده‌اند و فقط بخش کوتاهی از آغاز کتاب به ذکر اخبار جغرافیایی - تاریخی، فضایل، فتح اصفهان به دست نومسلمانان عرب و نیز صحابه‌ای که از اصفهان دیدن کرده‌اند، اختصاص یافته است. جز این مطالب، بقیه تا پایان کتاب به سبک حدیث‌نگاری و بیشتر مسند و با ذکر سلسله راویان نگاشته شده و از آنجا که ذکر یکایک راویان حدیث برای خوانندگان و بهره‌گیران از ترجمه فارسی چندان ضروری و محل فایده‌تی نیست، و محل مراجعه و ارجاع معدود متخصصان همان متن عربی است، از این‌رو پس از مشاوره با دوستان و سروران صاحب‌نظر بنا بر این شد که مطالب تا پایان بخش صحابه‌ای که از اصفهان دیدن کرده‌اند با همان تفصیل متن و با ذکر سلسله راویان ترجمه شود و مابقی به ذکر راوی و به صورت مرسل بسنده گردد.

۲- با آگاهی و اعتراف به این نکته که تنظیم فهرست راهنما یا اعلام برای هر اثر چایی از این قبیل ضروری می‌نماید، نظر به اینکه در کتاب ذکر اخبار اصفهان جز معدودی از صفحات آغازین، مابقیه به شرح احوال و احادیث راویان و رجال حدیث اختصاص یافته است و این اسامی در جای جای

دانشگاه تهران، نقد و نظری بر آموزش‌ها و نهادهای آموزشی ایران از آغاز دوره اسلامی تاکنون، گزینه و شرح و توضیح متون تاریخی و جغرافیایی به زبان عربی و ترجمه کتابهای تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، تاریخ بیمارستانها در اسلام، ذکر اخبار اصفهان و نگارش بیش از یک صد مقاله که در نشریات علمی و پژوهشی کشور و دایرةالمعارف اسلامی در زمینه تاریخ اسلام، فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، نهادهای علمی و آموزشی جهان اسلام، جغرافیای تاریخی سرزمینهای ایران اسلامی، نقد ادبی و علوم بلاغی، نقد و بررسی زندگی و آثار علمی دانشمندان و رسایل مربوط به تاریخ آموزش و پرورش که به چاپ رسیده، حاصل سالها پژوهش و تحقیق وی در عرصه علوم و دانشهای اسلامی ایرانی است.

۲- تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۶۰.

۳- در کتاب ذکر اخبار اصفهان بجز معرفی بزرگان و رجال اصفهان نام تعدادی از محلات و نواحی شهر آمده که خوشبختانه بسیاری از این مناطق نیز هنوز با گذشت قرن‌ها نام سابق خود را حفظ کرده است. مثلاً سنبلان که امروزه آن را سنبلستان هم می‌گویند و یا محلات و مناطقی چون فرسان، ابهر (ابر)، کزان، دارک، خرجان، آزادان ... البته با توجه به اینکه نه فقط خود ابونعیم بلکه اجداد وی نیز اصفهانی بوده‌اند عجیب است که خود از دیار و سرزمین خویش چیزی نمی‌گوید و اندک اشارتی به حال و وضع اصفهان در زمان حیات خود نمی‌کند و حتی در مواردی که بخشها، دهستانها و تقسیمات اصفهان را ذکر می‌کند همه را به صاحب کتاب «اخبار اصفهان» یعنی حمزه اصفهانی منسوب می‌دارد. چون کتاب اخبار اصفهان حمزه در دست نیست، به ناچار باید قبول کرد آنچه حافظ ابونعیم آورده است همان است که حمزه نوشته است، از این رو می‌توان گفت که ذکر اخبار اصفهان حافظ ابونعیم تجدید حیات یافته همان کتاب حمزه است. این کتاب در حقیقت احوال و احادیث منقول از کسانی است که یا اصفهانی بوده و حدیثی روایت نموده‌اند و یا از اصفهان گذشته و حدیثی آورده‌اند بنابراین کتاب مذکور در حقیقت طبقات رواة اصفهان است.

۴- در مورد اولین چاپ کتاب به همت د.درنیگ سوئسی در متن مطالبی آمده است. اما چاپ ذکر اخبار در سالهای اخیر در دو مجلد به همت دارالکتب العلمیه

بیروت طبع و مقدمه‌ای بر آن به قلم محقق کتاب سید کسروی حسن به سال ۱۴۰۸ق در قاهره نوشته شده است. ۵- ر.ک، مقاله، حافظ ابونعیم از آقای دکتر سیداحمد تویسرکانی مندرج در جلد سوم کتاب آئین فرزندی از انتشارات اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان که در زمستان ۱۳۷۴ به چاپ رسیده است.

۶- آنچه را که استاد محمد مهریار از کتاب ذکر اخبار اصفهان حافظ ابونعیم اصفهان ترجمه کرده، شامل ابتدای کتاب و آن قسمتی است که موضوعاتی چون فضایل ایرانیان، بنیاد اصفهان و شهرها و روستاهای آن، فتح اصفهان و نیز پاره‌ای از ویژگیها و صفات مردم این شهر را در بر دارد. ترجمه این قسمت از ذکر اخبار اصفهان در فصلنامه زنده‌رود، شماره ۱۲ و ۱۳، به تاریخ زمستان ۱۳۷۴ طبع گردیده است.

۷- کم نیستند منابع و کتبی که به مناسبتهای مختلف از این اثر ذکر اخبار اصفهان سود جستند. چه کتابهای مربوط به تاریخ اصفهان و یا غیر از آن، از جمله کتاب محاسن اصفهان مافروخی و یا بسیاری از آثار متأخرین چون روضات الجنات از خوانساری، دانشمندان و بزرگان اصفهان تذکرة القبور از مرحوم مصلح‌الدین مهدوی و یا در لابه لای نوشته‌های متعدد زنده‌یاد استاد جلال‌الدین همایی و ...

۸- این مقاله تحت عنوان «تأملی در دو تاریخ قدیم اصفهان» به قلم آقای دکتر علی اشرف صادقی در مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره‌های پیاپی ۸ و ۹ به تاریخ اسفندماه ۱۳۶۹ و در صفحات ۲۷ تا ۴۵ به چاپ رسیده است که نظر به اهمیت آن، آقای دکتر کسایی در بخش دوم مقدمه آورده‌اند. شایان ذکر است که قبل از این مقاله، آقای دکتر نصرالله پورجوادی مقاله ارزشمندی تحت عنوان قدیمی‌ترین تاریخ اصفهان (یعنی طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها، از محمدبن عبدالله بن جعفر بن حیان معروف به ابی‌الشیخ) آورده است. این مقاله در مجله نشر دانش، شماره ۶، سال ۹ به تاریخ مهر و آبان ۱۳۶۸ به چاپ رسیده است.

۹- ر.ک: بخش سوم مقدمه ترجمه کتاب ذکر اخبار اصفهان، صفحات ۱۰۵ تا ۱۰۹.

۱۰- بخش سوم مقدمه ترجمه ذکر اخبار اصفهان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.